

معنی لغت‌های مهم درس

آنبان:	کیسه بزرگ از پوست دباغی شده گوسفند	تافته:	گداخته، بر افروخته
جَلَجَل:	زنگ، زنگوله	خُبث طینت:	بدجنسی، بد ذاتی
دستار:	سربند و عمامه	دِشَنه:	خنجر
شوکت:	جاه و جلال	شوکت:	جاه و جلال
ضرعیان:	بیماران مبتلا به عارضه صرع	طُرفه:	شگفت‌آور، عجیب
طینت:	سرشت، خوی	فراغت:	آسودگی
مایه:	سرمایه، دارایی	مُفلس:	تهی دست، درویش و بی‌چیز
مُقبل:	خوش‌بخت، نیک‌بخت	مُلازمان:	همراهان
آبدار:	درخشان	خوان:	سفره، غذا

معنی شعر

حالی آن لعل آبدار گشاد	پیش آن ریگ آبدار نهاد
فوراً آن مروارید با ارزش را در مقابل شر خسیس گذاشت.	
آرایه: استعاره (ریگ آبدار: شر)- مراعات نظیر (لعل و ریگ)- جناس تام (آبدار، با ارزش، صاحب آب)	
گفت مُردم ز تشنگی دریاب	آتشم را بکش به لختی آب
گفت از تشنگی مردم به فریادم برس و آتش درونم را با مقداری آب خاموش کن.	
آرایه: تضاد (آب و آتش)- مراعات نظیر (تشنگی و آب)- اغراق (مصراع اول)- استعاره (آتش از تشنگی)	
شربتِ آب از آن زلالِ چو نوش	یا به همت بخشش یا فروش
مقداری از آن آب گوارای شیرین را یا از روی جوانمردی ببخش یا بفروش.	
آرایه: تشبیه (آب به نوش)- واج آرایی (صامت «ش»)	
گفت برخیز تیغ و دشنه بیار	شربتِ آب سوی تشنه بیار
گفت برخیز و شمشیر و خنجر را بیاور و در عوض مقداری آب برای تشنه بیار.	
آرایه: مراعات نظیر (تیغ و دشنه)- جناس ناقص (تشنه و دشنه)- مجاز (تشنه از خیر)	
دیدۀ آتشین من برکش	و آتشم را بکش به آبی خَوش
چشمان آتشین مرا بیرون بیاور و آتش درونم را با مقداری از آن آب گوارا خاموش کن.	
آرایه: اغراق (دیده آتشین)- تکرار (آتش)- تضاد (آب و آتش)- مجاز (آتش)	
شر که آن دید، دشنه بازگشاد	پیش آن خاک تشنه رفت چو باد
شر که این آمادگی خیر را دید، خنجرش را بیرون آورد و به سرعت به نزد خیر رفت.	
آرایه: کنایه (دشنه بازگشان، آماده ضربه زدن)- استعاره (خاک تشنه: خیر)- تشبیه (شر به باد)	
در چراغ دو چشم او زد تیغ	نامدش کشتن چراغ دریغ
خنجرش را در چشمان او فرو کرد و از کور کردن خیر هیچ افسوسی نخورد.	
آرایه: تشبیه (چشم به چراغ)- استعاره (چراغ در مصراع دوم از چشم)- تکرار (چراغ)- کنایه (تیغ در چشم زدن: کور کردن)	
چشم تشنه چو کرده بود تباہ	آب نداداده کُرد همتِ راه
هنگامی که چشمان خیر را کور کرد، بدون اینکه به او آبی بدهد به راه خودش ادامه داد.	
آرایه: مجاز (تشنه: خیر)- کنایه (همت: به مسیر خود ادامه دادن)	

جامه و رخت و گوهرش برداشت
لباس و مرواریدهای او را برداشت و مرد کور را تنها و بی‌چیز رها کرد.

آرایه: مراعات نظیر (جامه و رخت)- مجاز (جامه، رخت، گوهر: همه چیز)

چشم از دست رفته، گشت دُرست
چشمان کور شده سالم و درست مانند روز اولش شد.

آرایه: کنایه (درست شدن: بنیا شدن)

جز یکی دختر عزیز، مرا
چوپان گفت من به غیر از این دختر عزیز کسی را ندارم، اما ثروت زیادی دارم.

آرایه: تضاد (نیست و هست)

گر نهی دل به ما و دختر ما
اگر به ما و دخترمان علاقه‌مند شدی، حتی از جان هم در نزد ما عزیز تر خواهی بود.

آرایه: کنایه (دل نهادن: علاقه‌مند شدن)

بر چنین دختری به آزادی
با وجود چنین دختری، تو را آزادانه به عنوان داماد خودم بر می‌گزینم.

و آنچه دارم ز گوسفند و شتر
و آنچه از گوسفند و شتر دارم آنقدر به تو می‌دهم تا ثروتمند شوی.

آرایه: مجاز (گوسفند و شتر: دارایی و ثروت)- کنایه (پر مایه شدن: ثروتمند شدن، بی‌نیاز شدن)

منم آن تشنه گهر برده
من آن تشنه‌ای هستم که مرواریدهایم را بردی اما بخت با من یار بود و با تو یار نبود.

آرایه: تکرار (بخت)- تضاد (مرده و زنده)- مجاز (تشنه: خیر)- جناس ناقص (برده، مرده)

تو مرا کشتی و خدای نکشت
تو مرا کشتی، اما خدا مرا زنده نگه داشت. خوشبخت آن کسی است که خدا پشت و پناهِش باشد.

آرایه: تضاد (کشتن و نکشتن)- کنایه (پشت گرفتن: یاری گرفتن)

دولتم چون خدا پناهی داد
خوشبختم، زیرا خدا به من پناه داد و اکنون هم مرا به پادشاهی رسانده است.

آرایه: کنایه (تاج دادن: پادشاه کردن)- مراعات نظیر (تاج و تخت)

گفت: «ز نهار اگر چه بد کردم
شر گفت: اگر چه به تو بدی کردم اما بدی‌های مرا در نظر نیاور زیرا این بدی‌ها را به نفس خود کردم.

گفت: «اگر خیر است خیر اندیش
چوپان گفت: اگر خیر انسان خیر خواهی است تو نیز شر هستی و از تو جز شرارت و بدی چیزی به دست نمی‌آید.

آرایه: تضاد (خیر و شر)

در تنش جُست و یافت آن دو گهر
بدنش را جست‌وجو کرد و گوهر را پیدا کرد. آن‌ها را در میان کمرش جای داده بود.

آرایه: مراعات نظیر (تن و کمر)

آمد آورد پیش خیر فراز
پیرمرد گوهرها را در آورد و در مقابلش گذاشت و گفت اینک گوهرها به انسانی که مانند گوهر است برگشت.

آرایه: جناس تام (گوهر: مروارید، خیر)- استعاره (گوهر دوم: خیر)- تکرار (گوهر)

قلمرو زبانی

۱- در ابیات زیر، واژه‌های «آبدار» و «همت» را از نظر معنایی بررسی کنید.

■ حالی آن لعل آبدار گشاد پیش آن ریگ آبدار نهاد
آبدار اول: با ارزش آبدار دوم: صاحب آب (جناس تام دارد)

■ شربتی آب از آن زلال چو نوش یا به همت بخش یا فروش
■ چشم تشنه چو کرده بود تباه آب ندادده کرد همت راه

همت و همت جناس تام دارند. در بیت اول به معنای «جوانمردی» و در بیت دوم به مفهوم «تصمیم و قصد» است.

۲- متضاد واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.

پاکی (بد گهری) بدبخت (مُقبل) غنی (مُفلس)

۳- کلمه «گذاشتن» در معنای حقیقی «قرار دادن» کاربرد دارد و مجازاً به معنای «وضع کردن و تأسیس کردن» است؛ اما «گزاردن» به معنای «به جا آوردن، ادا کردن و اجرا کردن» است. جمله‌های زیر را بر پایه این توضیح، اصلاح کنید.

■ بنیانگذار مؤسسه، اعضای شورای سیاست گذاری را معزفی کرد. بنیانگذار
■ دانش‌آموزان زحمات خدمتگذار مدرسه را ارج می‌نهند و از او سپاسگزاری می‌کنند. خدمتگذار
■ نامه امام علی (ع)، در بردارنده پیام‌های اصلی یک حکومت عادلانه برای همه کارگزاران است. کارگزاران

۴- با توجه به عبارت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

ناگهان، جوانی را دید نابینا که بر خاک افتاده است و از درد و تشنگی می‌نال و خدا را می‌خواند.
الف) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

ناگهان: قید جوانی: مفعول خاک: متمم

ب) زمان و نوع هر یک از فعل‌ها را معین کنید.

دید: ماضی ساده افتاده است: ماضی نقلی می‌نال: مضارع اخباری می‌خواند: مضارع اخباری

قلمرو ادبی

۱- ابیات درس در چه قالبی سروده شده است؟ دلیل خود را بنویسید.

مثنوی: زیرا هر بیت قافیه جداگانه دارد.

۲- بیت زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

ممن آن تشنه گهر برده بخت من زنده بخت تو مرده

جناس ناقص (مرده و برده) - تضاد (زنده و مرده) - کنایه (زنده یا مرده بودن بخت) - تکرار (بخت)

۳- در ابیات زیر، استعاره‌ها را بیابید و مقصود از آنها را بنویسید.

الف) دیده آتشین من برکش و آتشم را بکش به آبی خوش
آتش: استعاره از تشنگی زیاد؛ تشنگی زیاد را به آتش مانند کرده و فقط مشبهه را ذکر کرده است.

ب) در چراغ دو چشم او زد تیغ نامدش کشتن چراغ دریغ
چراغ دوم: استعاره از چشمان خیر؛ چشم را در بینایی و سو داشتن به چراغ تشبیه کرده و مشبه را حذف کرده است.

قلمرو فکری

۱- چرا «شر» از «خیر» چشم‌هایش را طلب کرد؟

به دلیل بدجنسی و اینکه بتواند جواهرات او را بدزد.

۲- در بیت «آمد آورد پیش خیر فراز / گفت گوهر به گوهر آمد باز»، مقصود از گوهر اول و دوم چیست؟

گوهر اول: مروارید گوهر دوم: خیر (صاحب مروارید)

۳- کدام قسمت درس، مصداق مناسبی برای مفهوم آیه شریفه «نُعْزُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (سوره آل عمران، آیه ۲۶) است؟

تو مرا گشتی و خدای نکشت مُقِیل آن کز خدای گیرد پشت
دولتم چون خدا پناهی داد اینکم تاج و تخت شاهی داد

۴- هر یک از مَثَل‌های زیر، با کدام بخش از متن درس مناسبت دارند؟

■ از ماست که بر ماست.

گفت: «ز نهار اگر چه بد کردم در بد من نبین که خُود کردم»

■ از کوزه همان برون تراود که در اوست.

گفت: «اگر خیر است خیر اندیش تو شری جز شَرّت نیاید پیش»

۵- داستان خیر و شر را با ماجرای حضرت یوسف (ع) مقایسه کنید.

هر دو داستان، شرح برخورد نیکی و بدی و نیز پاکی و بد ذاتی است که در نهایت به پیروزی و سربلندی انسان‌های نیک و درستکار ختم می‌شود.

درک و دریافت

۱- به نظر شما، چرا شخصیت اصلی قصه، به چنین سرنوشتی دچار شد؟

به دلیل ساده‌لوحی بیش از حد

۲- دربارهٔ لحن و بیان داستان توضیح دهید.

«لحن» ایجاد فضا در کلام است. شخصیت‌ها را از طریق لحن آنان می‌شناسیم. لحن می‌تواند رسمی، غیر رسمی، صمیمانه، جدی و طنز واره باشد. لحن در این درس طنز گونه است و راوی با استفاده از این لحن، سادگی و دهن بین بودن انسان را نقد کرده و زیان‌های آن را نشان داده است.